

## لایحه مطبوعات یا فاتحه مطبوعات

این لایحه دیده، حوزا بررسیگردن نمود  
دیکتاتوری و احسانی، در لایحه حدسی  
نمود.

"الحمدلله عز ارادی و مادر آن همان طبقه  
چون مدد کرد" می‌بینند اینها این اساس را  
دیدم و همی حاصلی ای اعلام کنم که  
اسلامیه، شناسی مطبوعات دستوری داده  
عفایت سوده و آن سر فرمای سردا رنجو  
همیکرد و آنها طرح این تمهیل مذکون  
شانکه اسلامیه اسرائیلی سو مسما این  
ورو باره سخنگشید.

اریزویه مارسیهای ساواک ماسهای  
که اسلامیه در مبارزه اسلامیه مذکون و

دیگران روزانه هاده درست کردند "جزء

سم مطبوعاتی" این لایحه ببرده زمان است

برمندارد. رسمیه این لایحه "هر کس که  
امراز و افراد ارشاد رساند با مات و مسد  
اعیادا کشا" سطمه نزیب و نشیون کند

"بند ۲ ماده ۱۶" هم جهاد از عباء  
تا مال مکوم مشود" (بند ۱۶) و "هر کسی  
مانهای موهن به احکام واحد و اساسیین

الام و مصروف اسلامی ایران انتشار  
داده کش مال اسلامی جلسه های مکوم

مشود" (بند ۱۷) و "هر کاهه در ملی و ملت  
طباطبیوهن آمیزی افترا و خلاف و افسوس  
محض خواهند شد" مذکون و ملکه مذکون

نهضت اول روحانیت و مراجعت ملم تقدیم  
درج شود. مرکز سهیم مهای از کمال نا

مسال حکوم مواده است (ماده ۱۸) و تصریف  
آن داده رسیدگی شد این اینهات "تایخ کتاب  
شمی معمونی سیست" و هر کسی سویله مطبوعات

مشت و روا" با معاشران مردم با هشت  
پیامور مردم افترا و نوشی فراز دهد. این  
نکات شاکی حومی نزیب و خشودی در میان نود

مهدای از عماء مهال حکوم خواهند" (ما-

۱۴۰۰)

ترمیم این مواد انتالم در این

تفصیل از مصده

دان و زدن شهین تعریکات و منکر کرد

ادهان مردم میباشد. سلیمانیه ای ای ای

اللیسی شنک نظر اندیمه ای ای ای ای ای

وحده سوزویی در رادیو و تلویزیون

و مطبوعات ویهیں تعریکاتی که از

سوی پارهای ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

مکبیر دویا ای ای ای ای ای ای ای ای ای ای

مدھنی مدد که هم و مهندسا در سلطان

رسمنهای که همیں سیروها سرعلیه خلی عرب

حوزه ای ای

کوتشن سیو شهادتی سیرو کردند میز

اطلی ای ای

دوها های مردی سیست

ریزیم سیف عراق راستک ای ای ای ای ای

میزد و میزمه سعی او ریزیم که

خواه دهدر سرمه ای ای ای ای ای ای ای ای

در سرمه حال سیکوندی ای ای ای ای ای ای

نامه در حلیخ را می بروزد ای ای ای ای ای

اسلاط ای ای

ویزد و میزمه ای ای ای ای ای ای ای ای ای

کراکنده ای ای ای ای ای ای ای ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

سیمی ای ای

ملی" شناسرات این موج ساررا نی در راه معاصره  
کردن سرمایه های و امنیت سازان حسن  
رسیده است گهچنی دومین عنای همراه افزایاد  
مسئول و ماحصل منصب دولتش مهدا من -  
شود. بیام تلویزیونی میهن ساز ریگسان  
علم رفم اسما باش که در میان آن وجود  
داده اسما اخراج موحدات رطاب طیبر  
نودهای دود را در هم کرده و شارط  
رسید سازاروی دریسه مردم ایران که  
اسوهه سوده را دام سهای مقدم حسنه  
نهدیده دهد سوده، مداده. می گوشم سیداده  
معکوشم مددده، جرا کما گذشت سکی دوره  
از شرایح اعلام اس اقدام دولت ورونس بر  
شدن معا دهای می شدن با سکهای خصو -  
می مودم ایران متوجه می توند که غافی می  
شدن سکهای خصوی، سنا را مکبا محکو  
استندا و ارزوهای دریسه مردم را شد  
مشهوده بست اراده امانت رشکار پیشه  
من از لجه خوبی دولت روزگار می شن زرگان  
در سرخورد سه اتفاق امیرا لبستانهای غار تکر  
و دروز روزه سرگز خوبی از ای ای مساده  
فاومن ملی شدن سکهای مخصوص آجیمان  
اشکارا سارشکارا سو عقب مانده است که  
حتی شتمانات عوا مغربیانه عصدهای  
تلیبا نجی دولتش متوانسته و می شوند  
ما هیبت آزادیوس پروردگردهاده، افساده  
دولت با زرگان در "ملی" اعلام کردن باشند  
های خصوی نه بک باش قاطعاً شوند و همین  
محکم سرا میورا لبستانهای غار تکر که لبستان  
حون مودم را در شیخه کردند، بلکه بیک  
هزکت معا شات جوینا شلبیوالی سرا اخط  
اعتنی رات سرمایه سداری سرگز و اوسته  
مسکانه مشتی دزد رذل و سی در شراب اطبی  
است که مادرها موال و سرتو های کلاشن  
در دستور رورا مغلوب ایران می دهود و همین  
نکا هی سه مانند فرار "ملی" کردن  
سکهای خصوی و گفتارهای غلوای پسر  
اطراف آن که هفت پیش نقل زبان محسا فل  
تلیبا نجی دولت شده مود، حاکی ادا نسبت  
که ای ای ای دولت با زرگان نه بک حرکت  
فاطعه سپرای رفع ستم اقتضای و واستگی  
به امیرا لسم سلکند در سهی است بک رفم رزو  
شیفر صفحه ۳

توهین و انترا-سکادا و دوسا سوچه  
اسکریپت سداداران و مکونکنگان معاشری  
فاسون راهم در طرف خود را رسید. نکالیف  
حسی ساره راه در دهها روحوب آسن لاحجه از  
حسن الائمه علوم است و ماید از مردان معتبر  
تیوقوف روزیانه و محلات همچنانی و سیاست

های مختلف سود، ماره طغایی توهین  
اعتراضات، مثل آقای محب و رزرو  
وزراست هر روز مدعی سدوم و رامبهای  
مقدس آنها سوچن بیکند. یکروزه آنها  
هر گذار روز مددخواه طلب و آخره من  
اعلای میگوید و کس هم است که از انسانها  
باشد، اینها را بخواهد که از اینها  
باشند.

از راویه عن و گیشون آن سکانه مکدوویه  
در ده سطواهرا مر سای ای خفتگی رگر مصون  
اس آرادی ها اورس دارد و سطه طراوریست  
روزی ۲ در همسر حاشیه ای من شده مسنه  
ار مفندان سوروز و روشنگران هون روسور  
زووارد خدا مسنو اسعاد امپهات سرمه  
لاخادر ایشان ایست که ملکه ای ای ای  
و آدرس رازی زوری سویت و پاملا جبرا  
گیمسون مطوفه های و احذف کرد و ایست  
در ده لشک خنده کارگر که مصون اس لایجه  
و مخدوده های واقعی آ سروره دمکدو  
شنان مهدده که مکتبه سوروز و ایار سایه کردن  
اس مخدوده های دموکراسی و آرادی سان

سند از حمله خادم‌الحسینی های عصی و ما سند  
سده آشنا را درس مگیرد. همینها هستند  
که کیمیت‌های امام را ساکن ملایان سند  
تحسر خود درآورده سا ساکن اسلامی و سیاستی  
نقشه در محفل ۴

راهی متواتر است مـ "ملت" خرکاری دلسا ن  
جواست کنست و گنی راهی سارای سرمورده  
اپاراداشته ساخته .  
سـ لامـه مـلـسوـنـه دـموـکـراـتـکـوـ  
اسـلـاحـسـنـ اـفـرـادـشـکـورـهـرـهـ سـمـکـدـارـهـ وـ  
سـرـاـیـ هـیـبـ گـهـوـهـ اـسـارـاتـ حـاسـ خـالـیـعـیـ  
عـدـمـیـهـ اـنـدـکـهـ اـنـدـکـهـ

مکمل این مقاله در سال ۱۳۹۰ به نام "نقد میراث سیاست و فلسفه در دوران پادشاهی رضا شاه" تألیف شده است.

در این لاسخه حقوق اکسپریس میرز  
ما مدد و خودوی سایی، امساگی و ولیمی طمعه  
دایرگری سامان مده استه مسحه اس لاحبیه  
لهمه کار وکیل معنی سلیمان استولوز؛ ولیمه  
مود، مامرا لیسم دالکسک، راداره، درسرا  
پرس کاری سرعم اس لایهه موحه سه احکام  
واحده و اس دس اسلام و عمره اعیسیان  
اسلام اس توک سامان لیخس دارد.

درین لانجه مخمو ایترس سروار و  
و ایراد ارس بسال شده هر کنیک مخواهد  
گردید ایجاد احکام سطمنی و امساط  
تکوکواره اوسن شده، عماه بیان میس  
میس خدمت داشتند.  
ک لانجه ملتویا رس دموکراسیک و  
ایلانی، سه افراد کشوره همراه امکان رساند  
سند دویکیانو فرهنگ و تکاوهن ساینسی  
و مادرانه اتفاقی را مدد دهد و برای راه مسویه  
سایر محکملان و نافع آنها مدد کسری می-  
کند. عالی استکه اس لاصمهه مطلع اینستی  
بوروز و معاون آشیانه کسری میباشد  
مالی سرس رحله همار شهاده میباشد  
اگر که در این طبقه از اینها میگذرد

- ملی مسناواد، هرموقونگ مسناواد، خلوی  
- رهروز سامه ای را که مسناواد، سکرده و  
- سر و مدران و سوسنگان وختی عکا  
- سرانجام سازندان امداده، نرغف  
- س افسران و افراد اورسنه ساره ماسی  
- انسناه احکام مطابق معمی می شوند ؟ آسا  
- که درسته، فرماده هی سرماش دستور  
- سروی مردم سکاه را منده، و در  
- مردم اس مسی دستور قتل ما اهالی  
- مسکن و سا وهمی سرس ب رخی سه  
- درسان دستور سرگوب اورسان معمور  
- مخاتف سان احکام، مهاره سا  
- س اور زاره، افسران و سوهون معمی می شوند ؟  
- د لخشم مطوعان امکان اسعاد  
- س ارجوک مسکنگان و سردمداران فعلی  
- مهاره ای

بررسی مطبوعات و رسی ماسه هر سو  
- معرفت و تحقیق از ملکه ایان شنید،  
- داشت این داد و در این لایحه بسیار  
- از شنید و از را شنید و حاصلی  
- داشت رو جایی و مردم عالم شنیده  
- شد از هر چند و هر چند از این میانه  
- به مطالعه بود و همین آنرا میگذراند  
- و ملکه ایان شنید و خواسته بود  
- ملکه ایان شنید و خواسته بود

## یادداشتی درباره انقلاب ایران

گوسو سوره ارد و سارس سا نسبتی رشید  
دروخا مالکیں بعدست مکنست بیند منزه  
گندو مسلمان و ملتها سر را رسوسارد

ما غلطف عتمت و حبس گزی سانی آن سو  
که سودیک مرسا به روس و آموخته سوده با  
و سوهوم آسود، مطولا را شاهی و همسطوری  
شیعه ده و سکنیت مسکی سوده در  
درا اغلات صفت سرگزی سوده و همسکه  
بیسواست خبر ای سوای همان انتشار  
اطلاق سخنده سوده ورد خانه کسانی سوده  
ورده ای و سرمه حوت هدست سوروزواری  
شنی و سکون مواف امروزه سپاه در پیشان  
جهاده عصای ساری زیرمی سان و سپاه طلبانی  
سلکه که نم در زیرا سرمه بکاه و در سرمه شو  
روی سل و سارس حوت و همین امر سرمه  
حاج درهم و اغصان غلای ایان صربه  
درده ریختی کاملا آن و سخنروی آن نابل  
نه سرمه کی من ملوكه سرمه مسکن سویزه  
سوروزواری در پایان راه از سعف و حمه میان  
نامنح و صفحه های سوده های مردم، آنکه  
تصور سکنیت مسکن هرده سوروزواری ای سو  
ستفاده مسکن سداش ایس و می از جهنه  
نه عوامل ریسم سان و نیان آمر کیان  
مشخصه نه ده آموزان ریگ روسته  
سوروزی ایکان داده و مسند که همک و  
مدانهای تی سخن سوان مدھی - گویسیت  
اعلامات میو و مدنچ و سیره داده سرمه  
آیوا سرمه کیت دارد ایس سمرکیت  
مددوس کردن سایه طلبانی و ملی و پشتا  
سرمزی که دری سران و ایقت ایگندار  
ایس تعابی اصطلاح مدھی - گویسیت  
دمسان سیرک ملی مادره داده سخن  
دده و سرخی سه پیهه مدھ و سرخی دیگرها  
جهه گمیت چپ گزی طلبانی و ملی  
اسفلات ایران را ایسرت مسکن همک  
واهی ایس موامل بخت پرده و مکارکه  
سرکت سکانی کی سوروزواری ملی و لیسرال ای  
اولت ایسلانی همی سوده داده شنلکی  
جوده سوروزواری سدنکل و طواره همکوشند  
آیر سمعه سودیک آئوندو کندیده سوده را ای  
روزه ایشتون ساندارد و همه کندیده  
جوده ایشتون سی ایغلات مردم و  
اسفلات و ایکان بخوبیت است - جیتنی  
کمیسی ایران ایکرا بینا مواد ایان بی  
روز ای - و سر برای سان سند آوردن ایسیار

مودنک سویره مغل ماس روس و سویس  
بین اقلیلی و گشوار سطمه دیده، بوسرا گز  
خواهان طلب شدند و دعوی آشام شدند  
و عین انتخاب مسأله، ساده اسپاهی که  
سکونیات را کل آنده را رسیده سوزه،  
آشامی که بنت بوره خودت این معنی داشت  
هر سری کرد، کوشتنها شما نباشد  
شتاب اچبهار، روس مسحی و عوامل مکانی  
که امور دوره هنرخود را دستگاه امنی  
مکنید را در سلسله لار مت حسناً مودرت  
آشامی که امور رسوده را بر کسب این سیم  
و باعثی تدبیه ای اداه و عین انتخاب  
مکنید درست همای سیم طبقه  
استخال و اسکا، بخود انتخاب مردم را مددوم  
سارید، خدا را رسیده آشام را در مدار سوده هم  
اسامانید، در اینجا میظور ماهم گزوه هم  
و هر بر ریک روپرسوده و را کسب این سیم  
روی اسرارهای شوری و اسوده منتهی  
روی سکونکار فرست طب سوزه و خرده سوره  
گفته اند سوزره هنرخوده ای آزادی های  
سوده و امور سری اطفیل های اشریشیار  
شما را رسیتی خودم امروزه اداه  
روی اسرارهای شوری و اسوده منتهی  
اسکل مرسد و جوگ شاهی سمه، مکنید  
حقیقی اس گروهه اسکا را اماله سلطانی  
و حسنه سوده ای انتخاب مردم ماس بوده  
دعا و شان دروغ است، هر دادن گروههای  
ستنتریا و حرکت هایی مانند اسکا  
بوده ای و مکنی سه مکانی اولی آرایه به  
ری و سری های جسما رامی انتخاب  
های گذیده نوع اعماقی و حقیقی  
میشه اند و همین ساینس پرکرکی  
علماهات و دوئی بطن های ظلی های خود را  
اطلاع از دیده و میشه مركوب طبلی سیودا رسه  
حسن کوشتنی سیم و دسان خود را اماله  
نماین مخلوط کند، ساده ام همراهی شاده ام  
ار آسا مسدوده و رسمه آشامند، جهشی  
کوشتنی سیم و سانسرا، شام ای میمه  
و پیچه انتخاب ایران نکند، گندو ساردا  
روی سکونکار مسأله ای اسکله داده و معمدو  
انتخاب و عینیتی سایر سلسله ای اسکا، هم  
سکانه داده و رسجه که گیوا ملت ما میتواند  
درسر ای سر مردم رها و همه دیسا ساید و حسنه

سرگیوسی حکوم سندادی - با  
شیخ - شیخ - اسوان سرگیوسی سندادی  
دست کوکسا دور گرفت - شیخ مددیون  
کی مل سک امانت سوده ای سود و سپهیان خاطر  
د عصب طایف سرگوردا رسپورسیا - هنگی  
سینه رخای دید ساند و دیکسا - دولتی  
آ سو - هد رسلا - سلطان - آرمان دارای  
سکه گیری رسلا - رسلا - رسلا رس میرزا -  
رسندیده سفردریسا بود - سفردریسا سوده -  
هد ن سود از سفردریسا آمریکا و سی اسماز  
ب - بروز و غصانی در طی سالیان مسادی  
در سیان مردم ارگسکو غفت حسنه بر  
سرا ای رخاع محمد رضا شاهی من استوار رس  
در سوا رس از دندره ای آمریکا و رس، عموی  
رهبر مردم شدند مردم را رسی دیگر هشدار  
دست داد - کمک کردند این دیگر آن  
گوش خود را در سر سرمهدهای آمریکا رسکو  
و ما فرسنی های سروری ای رسی دیگر محکم  
سندیده کاملا مستعله ای خود را داده  
مردم هی سه جم راهنم حلک اهاب مکرر  
دولت این کشورهای سلطنتی و هرگز سپری  
اکمکی که در همان ایج حسنه اسلامی بوده -  
ها و زد خود رهای خوبیں سادگانه حساقم  
اسحاق داد کرمت و سرمهدهای شماردا دست  
و در دل جای رس هرچیز پیش از موعد حفظ  
فرار داده، آلسه ما را حمده کوششی  
حرکت برخی افتاب روز و مراجع هرچیز مذهبی  
آن کمک امورو رسوزواری و معاشر ملی پیش  
پرده و همنی امیرالملوکی آمریکا شی و  
شوری هرگز سیحی میگوشتند از آن سرای  
مرزوی سادن و سرکوب کوششی سرمهدهای  
برداری کنند غافل سیمیم، لیکن آن عنصر  
استعلال و اسکا - سود و شدی که در اسنال  
ما در تماشی عمومی سوده های ملت ما سیحی  
سازیزوج سود و عمری است که ساند و سپورده  
حیات کات کمک میشانند از روی گرفته و سی  
جدیت بیرون اند و متخلک شود، بر ایک معرفت  
با روح طراک ای اقلات ایزدان همان عدم  
تشکیلات آی سوده و بیزور زواری درست خاطر  
سرمهدهای مندی و شکل سیان در سرمهدهای  
طبقات دیگر سرا خنی تو ایس کوکم مومن  
رات ایشان خود را آورد و در مایلکر مارس  
هم ایشان ای ای

سما میگذاخان دولت در هیئت مدیره هم میگهای اجر  
بیکردد. دور و نظر نظری سرای میگهای اعلان  
میگردندند مدیران "دیده" و میگردندند کار و میگردندند  
که میگهای روش شود، هشیگر و روزانه این  
علام میگمین گذشته که اعلام میگردد دولت  
میگروا هدر میگهای را مادرانه کند، و حسن ندا  
هدایا بیست میروند که اعلام میگهای روز پر  
همای را میگهای را میگمین بد در عین حال لیستی  
را مرد میگمین دولت در رور و دوسره ایام  
میگدازند که رفرا و دیدران خود را میگهای  
میگمین شت. سهوان مثال نایاشنکه که می  
میگمین شد. در سیام در سیام، سیوا شنیش ایام  
نایان دیدران خود که میگردندند که از میگهای  
حرانی این سایت ملی کی کردن میگهای سیمان  
که میگردندند میگردندند. در میگهای

ها: سوروزواری ملی - سروزورد میکنند  
اگر از در مقصد فرار می‌دهد دولت می‌توفت  
ارزوی سازاری و حلکوکری او و رئیس‌نشی  
حاجمه سعی ایستادور سوروزواری و هر آنچه  
ما و مریضوت است دست سلطان «ملی» کوید  
ما سکھا: سعی همان خو دومنی که آنسای  
میعنی فرار آن سخن را سده، میرسد، و حاصل  
حکومه: ظهرا سکھا یاری حموی نه  
کنسرل و مدرسی دولت در می‌اید.  
مذا دنوسما مذنواری اسلال و  
دولت حاکی ارک ایهان در عین سکلت  
حال لکب ایس سکھا ایس: سعی مسللمون  
سب که آسا ساکھا سعی مردم متوسط دولت  
مذا در دیسو، ساپنا هم رساند از اخراجی  
و زدن خلی سب مطری و در دست رخد مکردد و با

سازنکهای دروازه‌بردار امداد اختیار جرجههای  
امدادی تکورکوشاند. اینکن اس نکهای  
۱۳ زیرین کارخانه امداد اختیار جرجه امدادی  
ظفره مرسن‌سدو و خودا سکه‌سازکهای مرکزی  
گمکهای لارمزا را رطوبت‌سپردند ماسکهای سمه‌سکل  
لارم اسرای این ساکنهای مردم مکرر  
بیدیدم که بول در خرسان عادی خود را رسار  
فراز سیکردن و گمکی اراسی بظر سرمه  
امدادی چرهای امدادی گوسمیسته  
حال سهای گمکهای ساک مرکزی سما سکنی  
هموی در مسیرهای امدادی حس جرهای  
امدادی مسلسل فراز سیکریت سلک در دو این  
سدیل سه اورسیده و سرازهای سوسن  
و شدن و سوسورک درمن آورد و سنسکوت  
مدبران و مهایان ساکنهای هموی می‌باشد

...  
بنایی است که علیرغم ناخوشا بسته  
اموریا لبستها و سرمایه داران و ایستاده هر  
حال می تواند براحتی مینماید، این را  
از معنویت پیدا و تعمیماً دولت می خواهد بر  
استناد ب مدیران جدیدیا مکناه مینماید نحوی  
دوریا قسّط

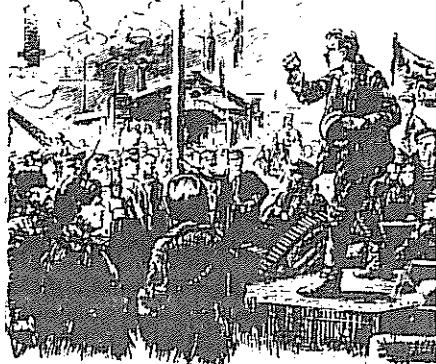
<p><b>نفع خدیده و لیست</b></p> <p>مصرف مسحوق دوپت سارگیا در سایر بیوسمده مخصوص و پندس ایران</p> <p><b>سروج آرم</b></p> <p>مصرف خدیده مسحوق دوپت سارگیا در ریساک سارگیو مخصوص به کار و زبان</p> <p><b>سیاست رازی</b></p> <p>مصرف خدیده مسحوق دوپت سارگیا در ریساک سارگیو مخصوص به کار و زبان</p> <p><b>رسوبه افتابی</b></p> <p>مصرف خدیده مسحوق دوپت سارگیا در ریساک سارگیو مخصوص به کار و زبان</p> <p><b>کربلی اکبر آتوس</b></p> <p>مصرف خدیده مسحوق دوپت سارگیا در ریساک سارگیو مخصوص به کار و زبان</p> <p><b>علی اعضا</b></p> <p>مصرف خدیده مسحوق دوپت سارگیا در ریساک سارگیو مخصوص به کار و زبان</p>
---

فکر و فدویت از گشته‌گران حق ملت می‌باشد  
ویس . لندادولت موافق که با سکه جنس  
نرا اسطوی پواه شده دوراه در مقابل حسود  
مکندا و دکمه‌قای معنی فرسوهم آشنا را در  
معاشه خودداده است: "با سانکها را ساده به  
و غصه کند و دهی های آسها را برپرداخت  
کرده و سهیلات مکنی را رسانان صراحت  
اور دیدن اسکه کار عادی موبدان را اشراف و  
کرد ، با اسکه خود داده می‌نمی‌داند  
سانکها را مغده بگرد . " آنکه داده  
در روحه اول چه کرد چه خوش است؟ " در طرقی  
نهست می‌نمایند و دشنه که خوب عمل شده  
بپولها سرور بخیگی سانکی در می آمد  
بدون آنکه در میسر اتفاق داد که کشور را  
که برده . حال که سانکهای حصوصی - بیمس  
سور زواهی و ایسمه - اینکه کوهه دوست  
موافق و معاذت های آن - بیمس معاذع  
آسها سهیل و فرسوهمی دولت  
جهان ایروم هما همکی فعالیت ساکها ....  
بسیار بروم سوی دادن هنالیت ساکهای در  
حیث اداری و اسلامی اسلامی . اونتا بدیج  
نمودن این فاسون کلیه ساکنهای اسلام  
می کرد و داده دولت مکله ایست بسبه بعضی  
در دران ساکنهای اندام سعادت  
دمدار اس اسلام ایمانی بعضی  
و بیمسا و در میسر سهیل را میان سهی  
بوده داده طویل سک متعاجه طبعاً سی . گونه -  
مان از امکنیه دولت موافق را در "تملی"  
ملاء شود سانکها را دروس کرد . بوجهه مناد  
اس ساکه خود سهیل احلاط ما بعد از در میسر  
سری ایست .  
اعای بعض فرا علام سهود که  
موافق داده اول اسطوارا داده که سا  
که ای که کوهه داده بیمس مکله ایست .

سلب میشود و با اقدامات و روش‌گیرانه شدیدات گمینهایها و ملیان به شنکانه‌اند در اطراف منتهی لیبرال و همدستان را دیگر آشنا نمی‌سینه شده و به مجرای خام گشته‌اند پارلمانی رسم سورزاوی و سازنی باسات سازشکارانه احزاب سورزاوی و رادیکالهای قلابی کشانده شوند، کمی مبکوبید آنان آب سهای خسروچا نهستند و با این رحال سا پر و روشنگران لیبرال از رسیدنی مطا لبی را عنوان می‌کنند، خیر! کمی مه نسب شان کاری ندارد و بروپرسه شنلا و سازور سیم شدنان را صحیح کمی مسخواهند لیکن آنان با این راه و روش خود عملاء زخم خوردند از جماع و استنصاله و روش خود عملاء خیراندشیهای خود بروستاری می‌کنند، مرکت ساسی آنان و پارلمانی رسم و جمهوری آنان پارلمانی رسم و جمهوری توام باشان سازی ارشتشیوه ساق است، توان‌ها مالکیت بزرگواری و مناسبات حسنی با سرمایه‌گذاران خارجی است، توان با سورکاری دولتی است، توان ساز از مقتصیر موابل و زیست ساق گذشته و حق و حقوق برای آنان تاکله شدن است، توان ساختمان خلخ ملاع عمومی و غیر شرکت و اقتصادی شوده‌ها در نیشنوت، حال آنکه هیچ کی و ملکت خودشان است، آنان می‌خواهند کسبه‌ها و بادارخانه‌ها سنته شود شاد ادارات دولتی و سرتا خانه‌های با زیست‌تند شنبه ساق ساز گردند، و شنگاه از خط‌سری از جماع و فاشیست دم می‌زنند، حال آنکه هیچ گواش سا مطلع اتحاد طلبانه‌ای بدون هم نشی با اینان، در واقع بیرون آلت مستند شدن برای اینان، کما وش بیشتری ندازد، اینترا مخصوص به رادیکالهای قلابی با بدگفت بمهترین رجل‌لستان مستوفی المعامل سود که نقول خودش نه آجیل می‌گرفت و سا آجیل بیدادونا آخر هم بالشنه دهد مکاره محدود زمان خود و فدادار ماند ولی عمله هم عامل خلخ ملاع مجاهدان شد و هم می‌گذاشت، ها به وظایف اینان با داد، راه چه می‌گوشیدند شنها راه صحیح برای کوششتهای حق استقلال ساسی کارگران و تشکیل سازمانی مسفل طبقه کارگر و حلث شوده‌های سرخور از سیاست حاکم بر استقلال بسوی یک سیاست برولینری و انقلابی است، تمام سروشویان اینقلاب ایران بسته به مازو، اندیس کارگران و معاہدت طبقه، کارگر برای نان می‌انجامد سوزی شوده‌ها در لواز برج خود مسائده، کوششتها باید مراحته شوند هن اجرای شدن برناهه، حداقل خود می‌شوند سیاست و تاکتیک مستقل خود و تخطیم کنند و اجازه سه سلسیو ندهند، عاجتنیزی وطنیه در شرایط حاضر خسته کردن موقوف برآنکه، حشنه کومونیستی و کارگری دریک تشکیلات ساسی واحد است، با هداست و اعتماد به جنبش تشکیلاتی است که طبق کارگر مستوانه می‌بازد همراه استقلال خود از دور پرخواره و مرجحی که استقلاب ایران مسلی می‌کند از انحراف در محاری سورزاوی و سا عاقبت برخدر داشته و با همراهی شنبداد، ما حشنه استقلالی دهقانان و کمک به آنکه و تشکیل آنان و معمجبن سایر فشرهای زعمی کن شهرهاره استقلاب ایران راههار سازد و می‌نماید هم موضع بجز خدمای شاریخی و می‌نماید هنکام شنشتاب ماجرا حسنه شاد جسته امیرپاره‌استلهای حاضر و آماده شاد جسته امدن این جوشها و سا ظهور این شنبدان

رات و احزاب زیاد مختارانی میکنند، از این  
شست استبداد و خود ناشیم، و ما بقول آقای  
معنایی موجود آمدن "مک اورچاگ اسما و طلبی  
و آنا و شیست" ([۱])، دم میزند و به هب و  
لهموسیتها برای شکلی بک مفهوده زیر  
علم خودشان چشیده میزند. نگاه کنید:  
شناخته شوی هایشان را میمزانند، عکهاش  
نهاده ایشان را با و میکنند، در خیابانها  
ملهه شان شمار مدهده و آزادی ارشاده محل  
کرده اندو قس علیهذا. آقای سازگاران از بک  
سودر معاهمه هایشان از پایداری جوا غسلی  
موجود در حامه و تقویات "سی جای" کار-  
کران و دهنگان و رسایزاون شکایت میکنند  
از سوی دیگر در بیام خود سکنگه و کلای  
دادگذشتگی از وجود "مک اورچاگ" و دشائی  
شمنان" که در کشورمان کهنه و ریشه دار  
است. مک زده و به لزوم "دامه" داشتن  
"سازه و انقلاب" برای نسل به "پیرورزی  
های سکر" شاکن می ورزد. معلوم نیست  
ایشان را زدن کدام دیو وجه میسنه هاشی  
شانگان خواهان ادامه سازره و انقلاب،  
شداست و کلا ([۲])، شده اند! آقای نزهه درخشن  
رامی خود در سکنگه و کلای از محکم اسراف  
بوروزواری در برای "اصحاح وطنان" و گرای  
شیوه انتظامی از مراکشیه قوانین شرعاً و سعی  
تاقویان ایشان از سالا خوب دفعه میکنند ولی  
ایشان را مکوید شا حرف دل سوزواری خسته  
از انقلاب و حاسادا زد، حرف دل سوزروا  
زی، مک سوچ انتلای میگوید سام "لاتکلیفی  
در همه امور" میکنند، از ایشان این  
است که جرا "باشین دستی از سالا دستی اطا.  
عن سیمیکنند" و کلر شرکت نفت "حتت نسره  
کفر سنه، میگوید: حضو کیمهه ام" تکه جرا  
"علن غفو عمومی" نمیگوید و "ما همان منعتو  
تجاویز" مک دعوت" نمیگوید (یعنی) ها-  
شیوه ای که فرار و راه فرار و ترجیح داده اند  
و گوش شنازی به "دعوت" آشنا نمی سود.  
لیس اینهای حسنه ملی و شفعت و دسته  
ای از وجدها لملهه و روشنخان سیاسی  
کیانی اند که ۱۵ سال تمام هر یکی از  
به حال و روش خود در برای اختنای ورز-  
نم بیلسی موجود سکون و دسازی شان داد-  
ند و شاره هنگامی که سراه افتادند تا  
روزهای آخر انقلاب هنوز دست از مشروطه  
سلطنت خود بر شنیده اشند و دمکراسی شاه  
را ساهم میخواستند. امروز از آزادی و  
جمهوری دمکراتیک دم میزند و از چه و  
کمیسیها انتظار مرحمت دادندو خارجند  
حتی رای و رهایی انتلایسون از جوں تکفیر  
اصنایع طلبان روحانیت و جماق سدستیان  
تجزیک شده ایشان جدا فعالیت کنند، لیکن  
کهوب که سکنگ این انتظار میگویی طلبی امروزه شناس  
فیض همان مشروطه طلبی ساقی است. آنان  
مدادهای دارند و مهارهای میورم ایوان  
در میانه این راههای میگردند. این  
تحات کمال ملت ایران از قسد نواعتمانی  
از وجود نشسته ایشان ای را سازگردانه  
ارشی که آب یکی سروشی باشیده است به  
مقصیت ساقش، هیچ غوغایی سیا سیستم  
به فحاسی که در گردستان و ترکمن صحرا  
و خوزستان نیام اینقلاب روى مددجههور است  
شند مکویند و غیره و غیره. آنوقت اینظا  
دارند که مهشی شمارهای دهن بیرون دار  
سازه آزادههای اطمینانی که درد سک مت  
نشتگر را ممکن اس دوا کند، و قنی گذاشته  
شود سوده هاشی که اعتمادهای از خمسی

## بستگوهای بریتانیا



### فصل پنجم

"حسته حیا مان مدد و چهل و پنجم"

ساخته شده است. متدربی سکی سد آر دیگری، آنها از در وارد میشوند و به سالن کوچک میبرند. اعیان اکارگران بخت زن و مرد در لباسهای زنده و کله هستند. آنها بک دیگر را مشاهده و باقی لامانی میکنند راحع به سجه میزی میسور نحلبه های امور صح و چهارهای دیگر ایجا میزد که اینها را میگردند. در دوساره بار شد.

"جنه سرخ!" فرمان با یک سمه اغلبیه رسید

لشکواره شد.

"حوب هرمان ، ناره چه خس؟

این سوال معمولی این روزه است؟ جیلی خیره است. در اداره کاریانی ، در کارخانه ها ، در غیابهای ، در شرکه های و مغازه ها ، همه جا بر از شایعات عصب و غصه است. حاسوسیان غرب ، دوستان ، دلمان - جه کسی نیز نواده نمیم؟ میگویند در روز چهارشنبه ارسن وارد عمل میشوند. رژیسٹنی حکم مخصوص راجع به رود خورد میان راه را شیوه های اینها میگردند. در دوساره بار شد.

"رواست؟ کدام دروغ است؟

فرمان اعلامیه را روى میگذاشت و گفت:

- وطن ای افسردار ساراهنستشین! خس ایست. آنچنین خبر ایش که سرولات (منصبی سندیکا) نظرهای را در اول ماه به براک اکارگران حمل و نقل ممکن کرد. بیشتر غذایش را به چهار شوکوچکن میداد. بجهه های از آدمهای بزرگ گرستی میکشد. دستهای استخوانیش کشیده کرد. آن پیدا بود. روی دسته عما پسین

گذاشت و با آنچه رسیده بیهوده کرد.

سولی تو رایع به این فظیله چی نکر میکنی؟

ولی سیاه به اتفاق خالی بسته رفت و پنجوه آنرا

با کارگری زیر سکارهای را خالی میکرد و سر لب

کفت: "مثل دودکن دود میکند" و چند منتهه بودند در میان

آنها همیزی پروری همیوداد. با آنکه شست و چهار مال داشت

در هسته تزییں فعال سودا. او کلاه آسی رنگ تزییز روی مو-

های سفیدش گذاشت بود. مثل سیاری آدمهای پیش از طوفان

شاید بخاطر آن بود که کم و کمتر غذا میخورد. اسا پیش

و زدنگی میگردید که شغفیا بکمال سود میکار است. مرد پیش

بیشتر غذایش را به چهار شوکوچکن میداد. بجهه های

از آدمهای بزرگ گرستی میکشد. دستهای استخوانیش کشیده

کرد. آن را بسیاری از آن داشته اند. هر دوی دسته عما پسین

سولی تو رایع به این فظیله چی کرد.

ولی سیاه به اتفاق خالی بسته رفت و پنجوه آنرا

او چند ناسیه خالی کرد. شما هرگز مطمئن نمودید که اینا

دوست پسر میخواهد محبتش را ادا مده دهد یا نه.

با لایه و پیلی جواب داد:

- گفتشن آسون نیس با ما هوسی. من فقط فکر میکنم

اگر روز چهارشنبه خون راه میخندیم بدان آقا بوسی

هست که اون بالا نمیشن. و گرمه جرا او سها با بد عذر

اعلام کنس؟

مرد پیش روش را سکان داد و گفت:

- شئه که ولی. من هرور سینون ساور کنم. من

یک مرد که هستم و چهل ساله که اول ماه مه را جشن می-

گیرم. از اون وقت که یک کارگر مشتک شدم بخیارون

رقص. من باید بیاد که اول ماه مه سال ۱۸۹۰ سرا ای او-

لین دسته با گلهای میخک سرخ و کراوات ایستاده در

سرپیکت از در در

و خشنکاگی میکرد. این روز ایستاده بیرون از



پیشوا مون

توکوئی طغه کارگر بولمه هود مسازه  
ادشلولوزیک میکند که حتیه غیرمدد میاوره  
را تکمیل میدهد). امروز منش کومپرسور ما  
سرای مددشن و در شرایط پراکنده و نشست  
موجود در آن سای زند بک مباره همراهی  
ایشلولوزیک، سایی و شورک است. حسنه  
کوبوستی ما متحده مساده دیگر آنکه در  
کوران چین مسازه ای میسرت سازرات  
عملی بولمه بایاره طغه کارگر و برآنامه  
معیی برای آن فوار گیرد و از آن بگذرد.  
امانوستنگان عذیقت گاگاب، این مطرارا مول  
نیار و دنکاوا کم بهانی به بیاره اید  
قولولوزیک درون منش کومپرسوری و تغیر بولمه  
میکند و برای آن در عمدی قاتل میشوند.  
آنها در یک میکنند که طغه کارگر نازما-  
نگه متحده شود، تا رانشکه حریف خود را بد-  
ست ساز و بشارمانیکه آگاهی طغه ای  
ست سیاند مساده توانت سازرات باید تو  
لوزیک ملیه بولمزاری را بیرون مدانه مه  
بیش برد و طبعی میز هست که از بولمزاری

کوششی و میان گروهها و شامل وساعی امدادی مختلف معاوره است که مسخوار است. طرد نفعه نظرات و مشاهای هرگز کارگردانی و کمپینی و نفعه این منشأ از ایده های بینگانه، آنرا بالا ایشانه و سیکر ابدولوزی و خط مشی نفعه کارگر منعنه نمایند.

طبله کارگر فسل از آنکه مصوب  
را در اسماں از سودا ایمدوکلوریکای هست  
نه پاک شنید، قبل از آنکه مندد شد  
قبل از آنکه حرب خود را ایجاد کند  
خواست میمنون یک طبله به پک سازه  
جایه ایمدوکلوریک بپرسله بورزوایی  
هد پیووندی ناگفتنی با میماره سیاه  
در منتهیه همه میماره بپرسله بورزوایی  
دارد منتهیه زند و از آن بپرسله بیرون  
در منتهیه کامپانیکه سازه ایمدوکلوریک  
میان کروهمها و سارماتیاهای کمونیستی  
به حساب "سیا روزه بزرگتر" ایمدوکلوریک  
علیه طبله بورزوایی کنار گذارد و  
مسخره نمایند، در واقع طبله کارگر را  
همان میماره خلیع ملاع کرده و سینکا  
این طبله به ملاع ایمدوکلوریک سیاسی  
شکنکننده خود مجزع طبله کارگر دست با  
طبله کارگر میباوهاد به منتهی  
تواری ببرد و در این چنگ شواغد تو  
بپرسله شود، مگر آنکه به مرغ خود  
سامدید

مهارهه ایندولولوژیک درون  
 کومپیستی، در مضمون از مهارهه برو  
 ریا بروطیه بورزویاری جدا نمود و درون  
 همان مهارهه اینستک پرولتا ریا بسته  
**باکس ریسمیکلوب موکول** با خلوه ایندههای  
 زواری و خوده بورزویاری اختصار میدهد  
 شرطیت پر اگدیکنیش کومپیستی و نت  
 ایندولولوژیک - شوربک موجود رادر مر  
 آن، این باکس ریا، اهمیتی بهرا صاف نمایند  
 می ماند و تعبین کننده میگردند. **لئنین:**  
 "سرای دفع از اصول شوربک.  
 کیسم و نواعده اساسی آن که در نتیجه  
 توسعه شود بورزویاری در "رفیقان شد  
 اه" مارکیسم با هر طرف تحریر سینه  
 همچویز میتر از منتهی سودن کلیه  
 کمیتاشن که بحق سوان و لزوم  
 با آن کا عاده نیست".  
**السن:** درسا بربرخی از خصوصیات

سازی و نویسندگان  
پین در خرابی کوشی جشن ما  
در لالاین کنایا هادر کودن این مکان  
سا ره آمده شولز بک پرولتاریا بخواه  
ملیمه سطر کاهای سورزا زی و سایر طای  
هر برولسکی سوت میگرد و خدکشی با  
مات درون حشنه کوشی تبا حرثی  
سازره است، و ساره آیدولزویک  
بست کوشیسی "عزم" میم از ساره  
تریلو: کشمکش دادلی هرگز میسریں  
سے "ہے مناشی دار؟" (اگردوں)  
ساره آیدولزویک ملٹه کارکر  
سطر کاهای سورزا زی و سایر ملقات  
بروکسی انس و این اندامی "خفیقت" کا

نیگوچی طفه کا وکر بر ملیه خود سارزه استخواریزک میکند که منتهی غیر مسد سیاره را شکمیل میسند، امروز جنسش کوسیختن سرای متعددشون در شرایط پراگندگی و نشست موجود در آن سیاره مسد که سیاره همانسانه ایدخواریزک سیاسی و شورک است، حسین کوبیستی ما متعد سخواهند بگر آنکه در کوران چین مساواهی بر میسر مسازات علی بوزه سخواهه سیاره طفه کارگر و برپامه معمی برای آن فرار گیرد و از آن بگذرد، امسیوندگان نیفیتگاهات داین سطر امورو نداداره و آنکارا کم بهایی به مساواه اید خواریزک درون سخشن کوسیختی وا نخوریزه میکند و برای آن درجه مندی قائل میشوند، آنها دری سیمکند که طفه کارگر نازما- نیکه متعد شود، هنار مانکه حرث خود را بد- ستسا ورد، بش رانیکه سه آگاهی طبقائی نیست سیاره سخواهند توانت سارزه ایدخواریزک ملیه بوروزاری را پیروزمندانه مه پیش برد و طبیعی میز هست که از میوزد و از

نکت بحوره آنها در گستاخی که برولتا  
ربا رای آنکه متواند به نمودنیزگری  
سازه ایدئولوژیک ملیه طبقه بوروزاری  
وارد شود، باشد مخصوص خود را سامان مددو  
این کار طور مخفی محتاطی هست از سازه  
احراقاتی بوروزاری و خردمند بوروزاری که  
در درون مفهوم و تفوت گردیده استند شداره.  
در راسپای برولتاریا، محدود متحدهست و  
سازمان میابی و ایدئولوژیک خود را ایندازد  
در رمانیکه کمیستیها پراکنده و منتشر  
کمیستی ملعو از خفت است اکلی گوشی  
در رای محمد بودن سازه ایدئولوژیک  
برولتاریا برعلیه طبقه بوروزاری چه  
محنتی داده باشکه بخواهد به سبایره  
ایدئولوژیک درون منصب کمیستی گذشته  
بعد و این کمپانی را شوریزه نمایند؟  
حقاله فوق در جای دیگری مینویسد:  
"اشارة کردیم که از نظر ملتفه کارگر، صا-  
دره ایدئولوژیک اساساً سازه است که  
این طبقه ماید متعاقه پکتطفه دربرابر  
ایدئولوژی بوروزاری سوت دهد، اما درکشور  
ما هنوز خوب طبقه کارگر نمودنیزهایند  
تا بنوان و جان میدار و زبان گویای این  
طبقه در موسمه ایدئولوژیک نیز طبقه بوروزاری  
لی میاید کند و طبقه کارگر و طبقه مخفی  
فر زینه سازه ایدئولوژیک و نیز خود  
تثویری هم ماید سار و ظرف بردوی میسر

پر اکنده کوششی می‌افتد، این همین کوششی و مهاری و گروههای ختمد پر اکنده آنکه ساید این مبارزه را به بین برند و لی آیا جئیت کوششی دا از چهلدر همین زمینه همین بیعنی در زمینه پیشورد پیشنهادی از مبارزه ابتدلولزیک طبقه کارکر نهیتوان خند کرد؟ اکندر مارزه بر سر اختلافات درون جیش را مبنیان و رکن اسلو و چوهر سیاره ابتدلولزیک شهربانیه باهند فلذداد کشم طبیعاً باعث چنین سوالی منتهی خواهد بود در حالمکه فرض از مبارزه ابد دنلوزوک در درجه اول بیعنی مبارزه بستا هنگامیان علیه بورتاوایی و هرای دفاع از موسیالیم علیی در غرمه ابتدلولی ، در این مرور آیا نهیتوان بیش وسیعی از میش کوششی را از چله مبرو پیشتردند اند همین وظیفه خند کرد آنها مبنیان از طریق چک اختلاف بازخانه این امکان را بوجود آورد - ۳۰- (۵)

اختلاف یعنی توانگی کروها و سازمانها  
روی چک-سیاست و برنامه ایدئولوژیک سیاست  
تئوریک و تئوریک-دانلیل باخط استقلال  
کروها در حمۀ مواردی هستند، اگر همان‌سوی  
گروها در اساس سلطان اختلافات ایدئولوژیک  
زیک-سیاستی و تئوریک محدود در میانشان  
است و اگر این اختلافات خود بسیارک و جوهری  
انحرافات شفط‌گذار در میان این همنشی و در  
تبیه نموده ایده‌های بوزرگواری و مردم‌گردی  
بوزرگواری در آنست و اگر اختلافاتی بر  
مبنای حل ایامیان این اختلافات، بلکه توانایی  
پیکر یک برنامه دانلیل سیاست و اسلام  
ریشه به این هجرات متنقذه ممده، پس از  
بسیارگان متعاقه نیز اختلاف گشیدند. با



## نقییم اداری توسعه هقانان

در شماره میل بوشم که سخن  
معلایی در روزنامه امکون اینجاد نمود.  
بری سودگوئی که مشکل ملوگری از سر  
داست محسوب دهتمان ایه در شماره میل مورد  
سررسی و حلیل قراردادم و همچنین مشکل  
سازی کفتش رمز های دهنامی تا حاضر  
رسویود ملحة ملحوظگری نمکند. در مسوده  
نمایار ریکارڈ بالکن و مالشان مسحواهند  
رمز های دهنامی را به معنی مود دوپاره  
بکشد. از طرف دستگرد دولت و کمتهای  
اما مسحواهند مینیم های دهنامی را نهست  
مساوس غایبی و ساتری میان مندمیلی کشیدن  
نمایی و با اینجا مدعیت گذاشت و زیر اسلامی  
ارمال کمیت دهنامی سیرون آورده مالکین با  
اسماق ذکر نهای مسدود و دولت و کمتهای  
اور طرس احتلا و ترا نمیشون ایه دهنامی سان سایدنس  
اگردا در مینها رایس دهدن دهنامان را  
سید بدهند سایرین گرفتند زمین هاشان مسحه  
اند. بدین ترتیب هم اکنون معا و مسکت و  
سازره دهنامان سرای ازدست شدند و حفظ  
زمین هایشکیه در جین اغفلات کسب مسحه اند  
در بسیاری از روستاهای درین قاطعه مختلف ایران  
که امکان نکامل پایی به یک صارزه مسلحانه  
سیزده مینیم حال دارد در هر چیزی است. باز جمله  
مرا اگر زاین میا و زده هم اکنون در مساله ایرون  
در منطقه گلستان، ما زندگان از جمله منطقه  
کنندگوئیه میباشد. ما در اینجا به بروزرسی  
رسوه هایی از یگونگی که مادر زمین های  
ارابا بین متوسط دهستان از در ماهیات اغیرکه  
محروم خودشون چین شونکه های از طرف ما  
لکن و مالشان وجودی هاده است. میرزا زیم، تحملی  
دولت و کمتهای هاده است. میرزا زیم، تحملی  
از میا زده کنوس و منشون آن را بعلت گمراه  
ما در شماره آمده بدهد چا خواهی نمود.

تقطیم اراضی توسط دهستان در منطقه  
آمل

روستای بزمینان از توابع دشت سر  
در قسمت شمال شهر آمل فراز وارد مقامه ای  
با شهر حدود ۱۴ کیلومتر است. این روستا  
سال ۱۹۶۰ خانوار جمعیتی حدود ۱۵۰ نفر  
را در بر میگیرد.

هنوز چند سالی از اصلاحات ارضی  
نگذشته بود که ماهیت رفتار و پیوست آن  
برای دهستان این روستا مقللاً تغییر شد.  
دیلیت با وارکردن انواع و اقسام محصولات  
کشاورزی و همچنین گک نگردان به آنها ای  
تسیل ماشین آلات کشاورزی و ورام بدوزی  
و... و پروروز دهستان ایام را در بر میگیرد.

سوق میدان داشت. درستینه دهستان را حصار  
برای ادامه محیا مودوسی غرض سوسی ای  
و آن سرچووار دال فراز گرده ای. حدود  
۱۲۰ حاسو از اراضی روستا با واطنه غیر  
کرفته شمعی بنام محمدروشن مبلغ ۵۰  
بیلیون و دویست هزار و سوتا ان از ایان  
به مدت ده سال ساپره لمه وام گرفته ای

محمدروشن پیوند را زومین خواه معروف و مخا  
وریسی هیئت مدیره خرکت شما وی ای

روستا ساکنانشند غصه، همراه با  
من راضیه شده گرفت. و در مقابل ازدهن  
سان چهت این وام مفته در پرداخت گردید.  
حالت اینکه عقایضان قادر نبودند فروخته  
خود را پرداخت گردید. این وام با بهره ۱۲٪  
سه مدتیه مال تدبیگشت. بگفته دفاتر  
سازمان اسناد اسلام و مقدار رعایات پسر  
داجنی در مقاله های قتل اول ۲۲ جدای زیر  
سود. ارجاعاتی که همان و معنی گهدان  
سان را مغروف گردید سود و خود را داشت سازه  
دعایان و روشکه خوشبخته و خوبه خواه  
پس از دادر برپرداخت وام فراز مرگی خود  
سلام و مسکن دهستان سالیها شان را پس  
از مردم گویی سه کارخانه ناحیه کلکوی خوش  
میداده است. از طرف دعاوی ملکی بگذارند و معموره  
برداخت شده مط بگیرد. ویا محمد روزه  
دهنای اسی راکه در پرداخت قسط های پشنه  
سمرق من ایاد دروغ روستا علو سایه

وکی رهن کردند سه ها هنگاری رشیس اداره  
نهت املاک و پرودسیر ۲۲ مل سرماده رامسا  
بک نفعه ماهراهه طرفه رسری کردند و مردم  
روسانه را سایه دیده سورا حسد ساده سورد  
فروش زمینها به مدبر عامل شرکت بنا وی  
روستایی سرسان [حمدروش سما بندیه و  
کارگزار رومیخواران] ساکنه احتمال را  
وکالت دهدند حتی در روکال سمامه بندش  
که املاک مردوخی به هر چیزی که وکیل  
بعواهد بدرودند. عجیب سرا بیکده بجهات  
افساط بدنه ای اعماق شرکت بنا وی  
ساک تهران چند میلیون بیوان از وی  
حالمه و فروشن را همیدا ای اکنیده و اوارد  
مریوط سه معلمه مذکور در درجه رسمی  
کنون سارها نکات مسوده و پروردیده امداد  
پادگان و خوددا رده هیچ کن رسیدگی نکرد  
مسنرا بن زمینه را نای عباس در روستا  
[ساک کیوروس] سه هنگاری سامردگان  
مریداری سود و سرای سرکوش دهستان  
هر طبق فیضی میگردند. بنا بر این ارسال ۱۳۵۲  
تاریخ ۱۳۵۷ مردم این روستا بسیار  
رعبت وزارع آفای در پوشیده که  
میپردازند.

سوج ساره ای و متن جن بله ساره  
ملحقی ای ای ای زمینه راسته رانی  
هدیشی نعمیت سامه و درستیه ریخته  
این روستا در هر ماه ۵۷ متراع از دست  
رفته خود را نهاده کردند و به اتفاقی حدی  
۱۵ هکتار از اراضی بیو راحت کن کند  
قرارادند و میمه زمینه ای ای ای ای ای  
قراردادند. و رسیده ای ای ای ای ای ای  
واکه در روستا خربان داشتیه که کردند  
دیگر خوش اند حاصل دستیع خود را  
زمینخوار شوی شوی شوی عالی شوی دیگر خوش  
بنده دند و مصالح شدیده و مسعودی که  
زمینخوار ای ای ای ای ای ای ای ای ای  
اکنون که مدت های ای ای ای ای ای ای ای  
کدم را کشت نموده است.  
عدا ای  
روستا چکویه است؟

در روز ۱۲/۱۲/۱۳ مردمی مایع را  
از گمیته مه اتفاق عالی مسائلی در پوشیده  
روستای سرمهان واردند پس ای ای ای ای  
با دهستان داشتند توافقی میں آیه  
و دهستان را زیر ساره و خواسته ای ای ای  
این رفته ای  
و آمدن آن نوسط در پوشیده ای ای ای ای  
میگرفته و حالمند در اینجا را می دویندیم -

بـ- روستاهای قدیم و گوشه  
 گـ- روستای کوئنگ و ده سید و گوش  
 در رمان املاح ارمی شاه مسلح او طرف  
 مالکان روستا (کوئری و کشمیری) سرکوب شد  
 و به آنها رسماً علی گورنه سود در رمان  
 اتفاق داشت به يك وحدت انتقامی رسید و  
 زمینهای ریزگفت ما لکن راه طور عادله  
 بین هم تقسیم کرد و اواول خداداد  
 ۱۳۵۸ شروع به برداشت محصولات کردند  
 مالکین که چندین باره اپسند دو  
 روستا مده سودمندانه سرمهای دهفتابان مواف  
 مه شدند و بر سرینه محروم شده که ماما

واعی در پیش از شکایت کنند، مدیر و رئیس  
گروهی اریا سازمان اسلامیه را خواست  
یکی از امرازات که خود را در عمل رسم می‌داند  
بیوده و موده را در گزینه پاسدازی انتخاب نماید  
کرده به مردم دست آورده و بارگزینی  
منسوخه، و بعد از متن سفر از این طبقه، با این پیش  
دستگیری گردید که گذشت از این طبقه  
و آنها را احمد نمایند که از این طبقه  
نه دادگاهی می‌سرد؛ بدین‌ای و درین‌ای  
شی مطرد و درد ۷۵ سفر از این طبقه مان گوشی  
ده سدکه می‌لایسا سکد گیر اینام می‌نمی‌گیرد

**حقیقت** ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران را بخواهند و آنرا در میان مردم پخش کنند!

## توطعه‌هایی از همه رنگ در گار است!

که حرب سود می‌نمایند بین چرا بخای افتخاری  
برای آن رجال ساسانی می‌نمایند ایران را  
نهش امپریالیستی و خرامکارانه و دنکومیستی روپهای در ایران به  
مرکز شبلیستی صدرنشیان کنیلیم نمی‌دل شد است. حکمران

حال آنکه مواف و هرچه ملی سپار  
ساده‌سود، کجا موری می‌توانست مواف دهد که  
وقتی اتفاق آواره‌من در کنار دریای سیاه  
سود، در مرور فیض دوم شوال سرمهی  
توانست با کمال سریشندی خواهد داشد؛ اگر

برای این اتفاق کاری نکرد، امساک  
این اتفاق می‌دانه این بحث معاشر سودم، در  
موریتی که می‌نماید شواره می‌نمی‌بود.

اطاری بخوده بخای این با سیم  
ما داده و صریح که می‌نماید سادسی در همای  
جوسی بر جنگنکان لذلار ایران بین مورد با  
سکارانه دماغ ارجو دیده بودند.

مردم شاره ۲۲ می‌بینند؛ این سیم  
شوال را رطی سیم شیش می‌شکند که در تما مدوران

رویم شاه خان، سرطاف و هیران خوب می‌باشد،  
مرا بازی زندگی در ایران سیخوردا و سوده و در  
زمان که انسان، متین روزهای آخوندگی

شاه طلوع دوباران بخورنا هستا، رای می‌بین  
سارمی پیشند، در هر آن خوب مادرجه همراه  
کیلیمانی شاه طلوع، از ترکه های او و

دستگاه ساکوس ساک و سیادرا می‌بینند  
چو "بوجلاد" و هیران داده

وقتی سنجای از مرا بایز زندگی در  
ایران سرخوردا رسود، شاه هیران خوب شود  
هم از مرا بایز زندگی در خوشی، آن سرخور

کمکیای مادی و معموی احراب روبرویتیست  
برای در خواسته اریا بسریزت بخود را رسودید،

در داشتگاهی که شورهای شوری و افسار آن  
در گمال آراثن تدبیر می‌کردند، اگر

نمایندگانه که در رورهای آفریدگی شاه  
طلوع در روان بخورش بازخواهند، ایشان

آن "المیخیخت" تنهیم داده بود، در آن روزها  
با این اتفاق اند درمیان خوده، مادرجه و ایشان

الله "سوسان" و بوروزواری، گهرن از کار "المیخیخت" (۱)؛  
ما سمعکردند تازه مکرآن زمان که سایه وری

در کار بخواهیم بخواهیم بخواهیم بخواهیم  
ملهین خوبیان با این اتفاق اند مادرهای شاه  
علل و عوامیان این جهاد امداده داده

غیر از داده ایشان را لذا کار ریسکیم  
اما عرب شوده سریزای خود را

معزکه کشیده است، و بدیمال سیا سیست  
فریمکاره و سرایا دروغ، سخت مندوش  
خوب مادرجه و بوروزواری "مدھنی" و سیا سی-

که در هر هری نهاده است که از این سیم  
که در هر هری نهاده است که از این سیم  
که در هر هری نهاده است که از این سیم

این مطالع طبق مقول بیان می‌شود  
برای خوب شوده، بوروزواری دارد که در این

کشکش اخیر، خوب، خوب شوده "مادع" شاست، و  
برای آنکه این دفعه "کوچک" می‌گردند،

خوب شوده با اهم غلمان، غلام خوبی داده  
که پنهان شده است، این سیم

این عیوان سکی از هر میلاده موده  
اریان از کاری خوب شوده، ایران، شماره ۱۴۵،  
دوشنبه ۱۴۶ داده، زیر عیوان میان  
دوشنبه آنکه میانهای طلب شد  
هذا سیمای اتفاق بیکرایه و ماده است،  
دقت کنید که در این داده دامهای گسترشده

نمی‌باشد، ماه میانهای طلب شد،  
کنید، زیر اگر میانهای طلب شود، همچو  
برای این اتفاق کاری نکرد، امساک  
این اتفاق می‌دانه این بحث معاشر سودم، در

موریتی که می‌نماید شواره دیگری،  
در راه فربت شوده "سندس" مردم، که  
همیشه مه آنهاشی خوبی و ماده است، دام  
می‌گذرد،

نقطه عیوبت خوب شوده برای عیوبین  
سیاستها و اتفاقاتی که خود، سیاست را

سوداگری و این میانه، زمانی می‌بینید  
سرازی ریزیم شاه میوردا در پایه این دیده  
در گزکه احراز مادری و مادری "خوب شوده"  
ایران در عین ایشان را اراده ایشان

خواهاده که باشتر از این میانه  
می‌گذرد، این دیده که در عین ایشان

می‌بینیم مه هستند، می‌بینم این را زندگی با  
تسال جیز دیگری وقت، این مه کاشه و

گوشها و سارماشی که می‌نماید می‌بینم  
میزون آن میانه که وحدت جنیش کمیسیون  
می‌بینیم مه هستند، می‌بینم این را زندگی با

از پنهان نظرات متفاوت و کاهه متفاصل را واد  
سازه مسائل اتفاقات و درنیمه طبیعی نهیز هست

که سه هر گوشی می‌نماید می‌بینم کردن آن  
پشت با همراهانه و پیشتر بگرد خروزت با معنی  
مزاره و کاهه ایشان با یکدیگر ایشان

ایشان چشمی را "روشنگر" می‌بینم  
از پنهان نظرات متفاوت و کاهه متفاصل را واد  
برداختن به مسائل ایشان، می‌بینم سروز

نیزه ایشان را در این باره مادری و ایشان  
نیزه ایشان را در این باره مادری و ایشان

نیزه ایشان را در این باره مادری و ایشان

که می‌بینم می‌بینم این را زندگی با

## نفی هبازه ایدئولوژیک، زیرنوایی

### هبازه ایدئولوژیک

ای ابعاد خفت هرچه می‌بیند در میوف آن،  
توبیکه‌گان مطالعه در راه انجام این هدف  
می‌بینند، موقتبه و جایگاه کمیسیون  
تکرار آن راه، اند، چندماهی می‌گذرد، در طی

بن در این سیمها و گفتگوهای رسانیده،  
می‌بینند جنیش کمیسیون می‌بینند،  
می‌بینند که در اطراف آن دور میزند، اند و  
می‌بینند که میانهای طلاق دارند،

می‌بینند که میانهای طلاق دارند،  
آنها آنکه ایشان را سرین مقدمه است،  
درین سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

سیمها آنکه ایشان را سرین مقدمه است،  
درین سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

می‌بینند که میانهای طلاق دارند،  
چه بینه می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

می‌بینند که میانهای طلاق دارند،  
ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،

ایشان را سارمهای و گروهها و مسائل موردهست  
و جنیش کمیسیون می‌بینند،